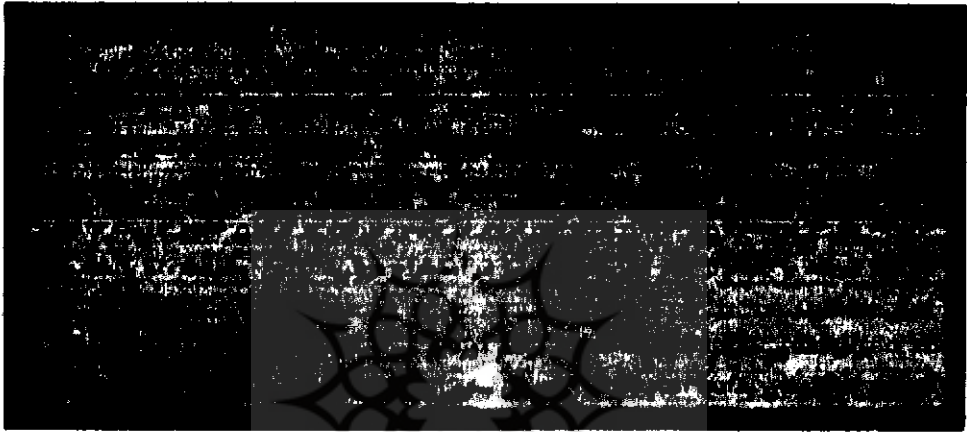


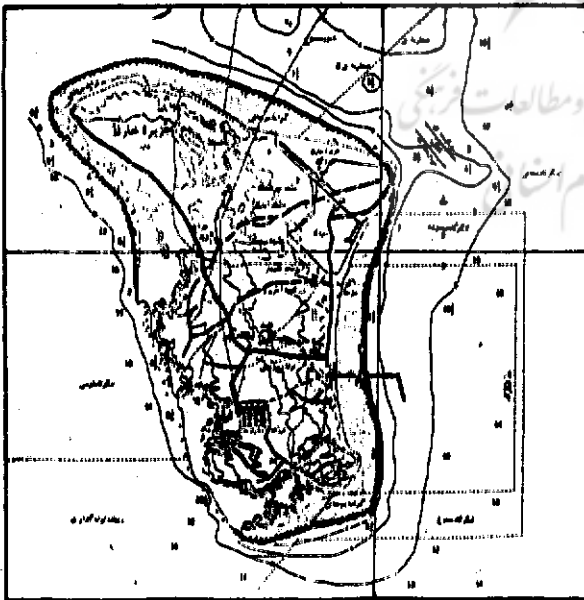
# جزیره خارک

قسمت اول

تهیه و تنظیم: پدالله غلامی



## جزیره خارک



خارک با خارک که به زبان لاتین؟ را گویا خوانده شده، جزیره‌ای است مرجانی در خلیج فارس که مقابل بندر ریگ به فاصله ۳۷ کیلومتری ساحل قرار دارد. وسعت آن ۱۶ کیلومتر مربع، و به درازای ۱۰ کیلومتر و پهنای ۵ - ۴ کیلومتر است.

حدود شش سال پیش از این جمعیت خارک بالغ بر ده هزار تن بوده است که این مقدار گویا به سبب مهاجرت ناشی از جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۵ به حدود هفتصد تن کاهش پیدا کرده و تا سال گذشته دوباره به مرز چهار هزار نفر رسیده است.

از جنبه اداری اکنون جزو بخش خارک شهرستان بوشهر است. پیش از بیست سال است که خطوط لوله نفت از گهساران به خارک ساخته شده است و خارک بندر بارگیری نفت انتخاب گردیده و در نتیجه اهمیت بسیار یافته است. خارک دارای ذخایر نفتی، بندر صدور مواد نفتی، خط لوله نفت، و فرودگاه داخلی است. نفت گهساران به وسیله لوله زیرزمینی و زیردریایی، برای بارگیری به جزیره خارک فرستاده می‌شود.<sup>۱</sup>

به گفته زمین‌شناسان یک میلیون سال از عمر خارک می‌گذرد، اما بیش از چهارده هزار سال نیست که این جزیره بر سطح دریا نمودار شده است.<sup>۳</sup> خارک مربوط به اواخر دوران سوم زمین‌شناسی (موسوم به ترشیاری - Tertiary Period) است که خود مشتمل بر دوران سنوزوئیک (نورجست) است. رسوبات آهکی اواخر دوره سوم به نام آهکهای آساری محتوی ذخایر نفتی جنوب ایران است. همزمان با پیدایش کوههای زاگرس، بر اثر حرکات خمکنندگی و گوهزایی قسمت زیادی از خمکها برای همیشه از آب خارج شدند. ضمناً جزیره خارک در منطقه خسارت متوسط زلزله (درجه ۷) قرار دارد.<sup>۴</sup>

آب سرسبز بوده، مشهود است.

در سالهای ۱۲-۱۹۱۲ و نیز بعد از جنگ جهانی اول، از سنگهای خارک برای بنای پالایشگاه آبادان و کارهای دیگر در گناوه استفاده شد. در ۱۳۳۶ ق. شرکتی حامل نفت ایران آن را به عنوان محل دومین بندر صدور نفت (اولی بندر مفرور<sup>۵</sup>) انتخاب کردند. ساختمان مرکز بارگیری در ۱۳۳۷ ق. شروع شد و از آن به بعد این جزیره به صورت بندر نفتی مهمی که مجهز به وسایل صنعتی است، درآمد است.

### تاریخ جزیره

ماخذ تاریخی‌ای که از خارک اسم می‌برد، قدیمتر از قرن اول ق. م. نیست، ولی احتمالاً این جزیره از سه هزار سال ق. م. جزو قلمرو دولت میلام بوده است. حدس زده می‌شود که خارک در زمان داریوش ناشناخته نبوده است و احتمالاً در زمان اسکندر مقدونی یونانیان از آن خبر یافتند.

در دوره اسلامی خارک جزو اردشیر خُزّه یا از توابع جنبابه (گناوه) و به هر حال از تونلگاههای راه دریایی بصره به هند و به عمان بود و مزارع فله و موستان و نخلستان داشت و در اطراف جزیره مرواریدهای گرانبها صید می‌شد.<sup>۸</sup> ابن حوقل در قرن چهارم گوید:

روبروی جنبابه جایی معروف به خارک است و محل مروارید در همین جا است و از آن مقدار ناچیزی به دست می‌آید، جز اینکه گاهی مروارید کمیاب و گرانبهای پیدا می‌شود و گویند که "دره پتیمه" از همین معدن به دست آمده است.<sup>۹</sup> همچنین در بیان جزایر خلیج آورده است:

خارک دارای منبری است و سکنه بسیار دارد که به تجارت صادرات و واردات مشغولند.<sup>۱۰</sup>

مسجد جامع خارک که اصطخری (قرن چهارم ق.) از آن نام برده حاکی از تعداد معتدلهایی جمعیت مسلمان است.<sup>۱۱</sup> حمدالله مستوفی در قرن هشتم راجع به خارک و خلیج فارس چنین می‌نویسد: در این بحر جزایر بسیار است و آنچه مشهور و از حساب ملک ایران شمارند و مردم‌نشین: هرموز و قیس و بحرین و خارک<sup>۱۲</sup> و... همچنین گوید:

خارک جزیره‌ای است فرسنگی در فرسنگی و در آنجا زرع و نخل و میوه و فله نیکو بود و فوس مروارید آنجا بهتر و بیشتر از جزایر دیگر است و فله فوس آنجا است و از آن تا ساحل فرسنگی است و آن را از کوره "فناد خره" شمرده‌اند.<sup>۱۳</sup> البته جای آن دارد که وضعیت خارک در کتابهای قدما بیشتر مورد مذاقه قرار گیرد، ولی از آنجا که قصد ما در اینجا بررسی کامل جغرافیای تاریخی این جزیره نیست، به همین اندازه بسنده می‌کنیم. از اواسط نیمه نخست قرن سیزدهم (هفتم ق.) تا قرن شانزدهم

ارتفاع بلندترین نقطه خارک از سطح دریا ۶۰ متر است. چنین ارتفاعات کوچکی در خارک از نظر طبیعی و به ویژه از نظر اقتصادی نفی بزرگ ایفا می‌کنند؛ اکنون بر روی این ارتفاعات مخازن عظیم نفت بنا شده است. از طرفین آن شیب ملایمی شروع و به سواحل جزیره ختم می‌گردد. به طور کلی جزیره خارک برجستگی ملایمی است که معدل شیب سطح آن ۱۰ تا ۱۵ درجه است. سطح صخره جزیره سنگ آهکی مربوط به دوران پختندان، سنگهای مرجانی، صدف و پوسته جانداران کوچک دریایی است.<sup>۵</sup>

حرارت هوای خارک در بهمن‌ماه بین ۱۰ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد است. بارندگی در بهمن بین ۲۵ تا ۵۰ میلی‌متر و در ماه امرداد کمتر از ۲۵ میلی‌متر است. خارک جزو مناطقی است که اغلب در آن فشار هوا زیاد است.<sup>۶</sup>

ساحل شرقی جزیره برای ساختن لنگرگاه محکم و مناسب، و از توفان و باد و اوضاع نامساعد جوی مصون است. عمق آب در حدود ۱ کیلومتر از ساحل بالغ بر ۱۸ متر است که برای پهلو گرفتن کشتیهای بزرگ ۱۰،۰۰۰ تنی کافی است. مدت‌هاست که خارک زمین حاصلخیز ندارد. شبکه کاریزهایی که در آنجا (حتی در دل سنگ) کنده بودند، سبب شگفتی دانشمندی شده که از جزیره دیدن کرده‌اند؛ به گفته گیرشمن هنوز بلا یای باستانهایی که زمانی از برکت این



یک تکنیسین در حال کنترل شیرهای نفت جزیره خارک

اطلاعی از خارک در دست نیست. در قرن شانزدهم پرتغالیان این جزیره را که مسکن ماهیگیران و مأمین دریازنان بود، گرفتند و یک نمایندگی تجارتنی (شبهه هرمز) در آنجا دایر کردند. در ۱۶۶۵ ژان دوونو<sup>۱۲</sup> از آن دیدار کرد.

در ۱۶۹۵ ق (۱۶۸۳ یا ۱۶۸۴) هلندیان خارک و برخی دیگر از جزایر خلیج فارس را گرفتند، ولی در ۲۴ رجب ۱۰۹۶ ق (۱۶۸۵) آنها را تخلیه کردند. در ۱۱۶۷ ق (۱۷۵۳) رئیس تجارتخانه آنان در بصره، خارک را تصرف کرد و استحکاماتی در آنجا بنا نهاد، اما سرانجام میرمهنای عرب، هلندیان را در ۱۱۷۹ ق (اواخر ۱۷۶۵ یا اوایل ۱۷۶۶) مغلوب کرد و جزیره خارک را که آخرین پایگاه آنان در خلیج فارس بود و نیز قلعه آن را تسخیر کرد و با این واقعه استیلای هلندیان در خلیج فارس پایان یافت. در ۱۱۸۳ ق کریم خان زند خارک را از میرمهنای گرفت. در جنگ هرات خارک تحت اشغال انگلیسها بود و بعد از جنگ نیز تخلیه آن را تا ۱۲۵۷ ق (۱۸۴۲) به تعویق انداختند. بار دیگر در جنگ ایران و انگلیس<sup>۱۵</sup>، انگلیسها جزیره را در ربیع الاول ۱۲۷۲ ق (۱۸۵۶) تصرف کردند و پس از پایان مخاصمات و انعقاد معاهده صلح پاریس در ۱۸۲۵، جزیره را به تصرف خود نگاهداشتند و بر آن بودند که جزیره را مرکز نیروی انگلستان در خلیج فارس قرار دهند، ولی این نقشه عملی نشد و سرانجام در اواخر رجب و با اوایل شعبان ۱۲۷۲ ق (۱۸۵۸) خارک تخلیه و به دولت ایران واگذار گردید، اگرچه بار دیگر در ۱۲۷۸ ق انگلیسها آن را تصرف کردند.

قدیمترین آثاری که در خارک کشف شده است، دو مقبره سنگی<sup>۱۶</sup> است که مربوط به حدود هزار سال ق. م. است. از آثار دوره یونانیان چهار دیوار از معبد پوسیدون<sup>۱۷</sup> است در بدنه قسمت مرکزی کوهی که از شمال به جنوب در جزیره امتداد است. این معبد در قرن چهارم م ویران شد و بر خرابه های آن آتشکده های بنا گردید، که بعد ها تبدیل به مسجد شد. از آثار دیگر بناهای صومعه نستوری است. بقعه میرمحمد (منسوب به محمد حنفی که گویند فرزند امام علی است و چون مادرش از بنی حنیفه بود او را محمد حنیفه خواندند) دارای گنبد هرمی مفرس است<sup>۱۸</sup>.

### خارک، در کلام جلال آل احمد<sup>۱۹</sup>

همه نویسندگان رجال و تاریخ و جغرافیای اسلامی تا حدود قرن دهم ق، نام این جزیره را خارک دانسته اند. در اصطلاح بندر نشینان فارسی و نیز اهالی جزیره خارک، خرما از زمانی که بر سر نخل قابل خوردن شد خارک است (شاید همان که ما در تهران خرما خرک می نامیم و به بجه هایی می دهیم که دندان درمی آورند، که خرمایی است نرسیده و سفت و اندکی گس)، «مینا» به همان ضبطی که به خود جزیره اطلاق می شده است. همچنین در اصطلاح کتب لغت فارسی «خاره» و «خارک» به یک معنی در مقابل «صخره»

هرمی نیز آمده است و جزیره خارک پوشیده است از سنگهایی که به زعم قدما ممکن بود خاره باشد، اما دو سه قرن بعد در فارسنامه ناصری و نیز در آثارالمجم که از کتابت هیچ کدامشان بیش از صد و پنجاه سال نمی گذرد این نام ضبطی دیگر پیدا کرده و به صورت فعلی درآمده است. محتلاً رفت و آمد فرنگیان، و اقامت های مستمراتی آنان در خلیج فارس و انعکاس شاید ناخوشایند دوهجای بلند نام به این کوتاهی در زبان بیگانه ایشان و اصلاحی که شاید به همین مناسبت در ضبط این کلمه کرده اند - چنانکه برگرداندن اسامی و اصطلاحات عادت دیرین ایشان است و آن را از یونانیان به ارث برده اند - و بعدها منعکس شدن این ضبط دگرگونه در مکاتبات سیاسی دولت های هند و انگلیس با دولت ایران و از این راه، به غلط ضبط شدن این نام در فترت ها و دیوانهای دولتی ایران و نیز به وسیله همین مأموران دولتی به خود جزیره بازگشتن آن، کم کم نام این جزیره از خارک به خارک برگشته است که حتی در زبان اهل جزیره نیز به کار می رود.

جزیره خارک چندبار ممبر وقایعی مهم از نظر تاریخ ایران شده است که عبارتند از:

۱- سفر نثارخوس فرمانده مساکر مزدور اسکندر از مصب زود هند به شوش ظاهراً برای جستن یک راه دریایی مطمئنتر برای مراجعت دادن لشکر خسته و فتنام اسکندر که البته پای او و بارانش به خارک نرسید، اما اولین اطلاعات مکتوب که درباره خلیج فارس و دریای عمان به دنیای هلنی و رومی رسیده، نتیجه همین سفر با از توابع آنست.

۲- سفر بزرگمهر از طرف حکومت ساسانی به هند که ارمغان آن بازی شطرنج، کتاب کلیله و دمنه و شاید سند بادنامه است.

۳- اعزام دسته ای از سربازان ایرانی در زمان انوشیروان به قصد اشغال یمن و سواحل عدن.

۴- نبردهای مسلمانان صدر اسلام.

خارک جزیره ای است مرجانی و فاصله آن تا بوشهر ۵۲ کیلومتر. پوشش سنگی جزیره در چند نقطه از جمله ریختگی "گردن اشتر" در کناره جنوبی، شکستهای خورده و فرور ریختگیهایی وهم انگیز پیدا کرده است. اهالی از رگها و مخازن زیرزمینی آب باران فنانتهایی در آورده اند که از قدیم الايام تاکنون جاری است و به این مناسبت است که جزیره خارک یکی از چند جزیره معدود دارای آب شیرین در خلیج فارس است. بر زمینها چنین طبیعتی است که خارکیان می زیستند، با هنوز می زیزند. صد و بیست خانوارند. بیشتر از تنگستان آمده اند، و گفتند آنان که از محل هستند. در حدود دوسوم اهالی ثاقمی و بقیه شبهه اتنی مفری هستند. در خانه هایی زندگی می کنند وسیع، که هم باغ و نخلستان است و هم محل سکونت. قوت غالبشان خرماست و ماهی. برای دامهای خود طوبله ندارند. دامها در چهار دیواری بی در و دیوار جزیره - محصور دریا - رها شده اند و هر کدام خود متکفل مخارج خویشند. کسی در

فاز، مرکز اطلاعات رسانی  
موسسه تخصصی معارف اسلامی

شم آنها نیست، که گاهی سفوفی را رنگین می‌کنند و گاهی در هیچ دهنیهای خلیج فارس به قیمت گزاف به فروش می‌زنند. چه زنان و چه مردان لباسی می‌پوشند در حدود آنچه همه ساحل-میان خلیج فارس می‌پوشند.

برای رسیدن به گاهی، هم شهر به کار می‌برند و هم قایق و تا حدود امکان در خارک قوسی می‌زدند. پس از آن تا به علت ورود مروارید گشت هفتاد واپسی به بازار - یا به علت مهاجرت عوامل خارجی به بند مروارید جنوبی و فرس خلیج فارس، و انتخاب کارهای دیگر، بند مروارید و قوس در خارک تقریباً متروک شده است. فصل قوس دو ماهه آخر بهار بوده و اول تابستان. قوس در آب گرم باید کرد. عوامل قاقوسی در دست و سیدی به گردن آویخته سفیر سری به پا می‌بندند و گیرهای به دماغ می‌نهدند و گاهی به ترس از کوسه قوس به تن می‌مالیده و در آب فرو می‌رفتند است. به تقلید از مرکب ماهی که برای فرار از کوسه ماهی سیاه رنگ از خود می‌پراکند. بلندترین زمانی که می‌توانستند در آب بمانند شش دقیقه بوده است و تا عمق ۱۷ - ۱۸ بالا (هر بالا در حدود ۲ متر) بیشتر نمی‌توانستند در آب فرو روند. آب سرد بدترین آب بوده است برای قوس. قوس اجباری مداوم در چنین آبی عمر قوس را به سی سال هم نمی‌رسانده. در هر قوسی اگر هم نوک قاقوشان به صدفی بند نمی‌شده است، به هر صورت سل و تنگ نفس آرمفانی بوده است حتی که با خود به ساحل برمی‌گردانده‌اند. مروارید صدفهای بزرگ و بزرگ و کوچ و گوله است و این صدفهای کوچک (سپار) است که مروارید درشت و صاف دارد.

مشغله دیگر اهالی راهنمایی دریاها بوده است. این مطلب در عور توجه است که نام دیگر جزیره خارک به خصوص در اصطلاح اعراب سواحل غربی خلیج، "ام الریانین" است یعنی وطن ناخداان، ولی آنچه مسلم است، این است که مشغله امروز ساکنان خارک هیچیک از آنچه گذشت، نیست و این روزها از خارکیان هر که هنوز جلای وطن نکرده است، فقط در این فکر است که کی آب و ملک او جزو نقشه ساختمان شرکت نفت خواهد افتاد و کی خراب خواهد شد و کی پول او را خواهند داد تا بتواند رخت خویش را از موج خیز حادثه به در برد و برود و به هرکجا که دلش می‌خواهد.



در مرکز قسمت شمالی جزیره یک برآمدگی بزرگ سنگی هست درست همچون کاسه در افتاده لاکپشتی و چسبیده به آن، در گوشه جنوب غربی یک برآمدگی دیگر هست گرد و کوچکتر. این دو قوز سنگی چنین که برمی‌آید از روزگاران قدیم مورد نظر همه اقوامی بوده که گذری بر جزیره داشتند یا سکونتی در آن کرده‌اند. از دو دخمه‌ای که وجود دارد یکی سالمتر مانده است. نمای دخمه دوم بگل ریخته است و سراسر دخمه گشوده مانده و جز نشانی دندانهای برپیشانی خود چیزی سالم ندارد. این دو دخمه که از

قبره‌های پیش از اسلام هستند، در دل سنگ کنده شده‌اند. مقبره مشهور معروف به میرمحمد حنفیه نیز یکی از مظاهر خارک است. با گنبدی بلند و مفرس به سبک دانیال شوش و گنبدی دیگر نیم‌دایره و کوتاه در پشت آن؛ و مقبره مفرس گاری و گاهی پوش هزاره داخلی با کاشیهای هفت‌پره - کتیبه‌ای در ارتفاع ۲ متری از کف بنا در داخل، از اوایل قرن هفتم.



کوبا خارک به عهد خلافت حنفیه دوم گشوده شد، ضمن یک لشکرکشی بزرگ که بایست به کار فارس و جنوب ایران می‌رسید. پس از وقایع صدر اول، در نهضت "کیسانیان" ۲۰۰ هزار پای خارک در میان است. در همین حال که بنا بر مشهور محمدبن حنفیه در طائف مرده است. فلین این کلمات بعضی دیگر را به عنوان قبر محمد حنفیه در طالقان زیارت کرده است. این انتساب قبرهای متعدد به یک تن، اگر نه دلیل مخالفت حکام وقت باشد با علم شدن مکانی که احتمالاً می‌توانسته محل تمرکز ناراضیان باشد، دست کم نشانده علاقه مریدان متواری است به مرادی که دور از دسترس است. گرچه در حضور محمد حنفیه در خارک تردید کلی هست، اما به حضور پیروان او در خارک می‌توان باور داشت. به خصوص پس از قطع و قطع نهضت مختار و حبس و تبعید پیروان او احتمالاً به خارک، حتی می‌توان پذیرفت که آنان خود به این جزیره پناه برده باشند و بر جای مبدی با آتشکده‌ای قدیمی و ویران بنایی به یادبود پیشوای خود ساخته باشند. همین بناست که در قرن هشتم قی ترمیم شد و به صورت امروزی در آمد.

در اوایل قرن چهارم قی به احتمال قوی خارک میدان دورخیز قرامطه (اسماعیلیان شمال ایران، مأخوذ از نام حمدان قرامطی یکی از دامیان آنان) شده است که بزرگترین زندانه را در اسلام نهادند.

ادامه دارد



منابع و یادداشتها

- ۱- دایرة المعارف فارسی، ج ۱، پسرپرستی غلامحسین مصاحبه مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵، ذیل عنوان "خارک".
- ۲- اطلس کامل گیتاشناسی، انتشارات گیتاشناسی، تجدید چاپ دوم ۱۳۶۳، نقشه من ۹۰ و ۹۱.
- ۳- دایرة المعارف فارسی، خارک.
- ۴- اطلس کامل گیتاشناسی، من ۸۸ و ۸۹.

۵- پیرزاده، مهدی؛ "جزیره" خاکی؛ علوم زمین (نشریه) دانشگاه علوم زمین دانشگاه ملی ایران؛ دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۵۲.

۶- اطلس کامل گیتاشناسی؛ نقشه‌های ص ۸۵.

۷- امروزه بندر ماهشهر.

۸- دایرةالمعارف فارسی؛ خاکی.

۹- ابن حوقل؛ صورةالارض؛ ترجمه جعفر شعار؛ انتشارات

بنیاد فرهنگ ایران؛ ۱۳۳۵؛ ص ۵.

۱۰- صورةالارض؛ ص ۳۷.

۱۱- دایرةالمعارف فارسی؛ خاکی.

۱۲- مستوفی - حمدالله؛ نزهةالقلوب؛ به سعی و اهتمام و

تصحیح گای لیستراچ؛ لیدن و لندن ۱۹۱۵؛ ص ۲۳۴.

۱۳- نزهةالقلوب؛ ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۱۴- ژان دو تونو (Thévenot)، ۶۷-۱۶۳۳، جهانگرد

فرانسوی.

۱۵- "جنگ ایران و انگلیس" عنوان نبردهایی است که در

سال ۱۲۷۳ ق در حدود فارس و بنادر، بین سپاه ایران با نیروهای

انگلیسی که از خبر محاصره و تصرف هرات به وسیله حسام السلطنه

سخت ناراضی شده بودند، روی داد.

۱۶- فرسنگ (Megalith) در اصطلاح باستان‌شناسی،

سنگی است عظیم خاصه در ساختمانهای باستانی یا در بقایای

سپهدهای اولیه.

۱۷- پوسیدون (Poseidon) در دین یونان، از خدایان

دریا حامی همه آبها، پسر کرونوس و رئا، شوهر آملیتریته، و پدر

پلاسوس، اوربون، پولوفموس، و غولها و عفریتهای دیگر است.

۱۸- دایرةالمعارف فارسی؛ خاکی.

۱۹- چکیده‌های از کتاب؛ جزیره خاکی، در یتیم خلیج فارس.

۲۰- کیسانیه اسم عمومی فرقه‌هایی است که به امامت محمد

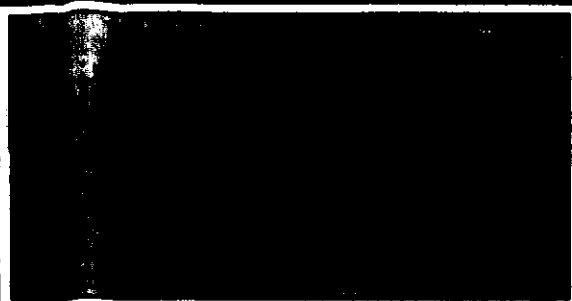
حنفیه پسر امام علی (ع) عقیده داشتند. کیسان به قولی لقب محمد

حنفیه است و به گفته برخی دیگر لقب مختار ثقفی. محمد بن حنفیه

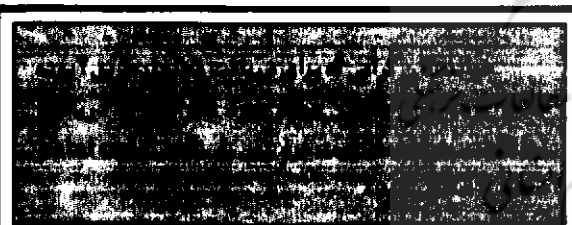
چون با زبیریان هماهنگ نشد به دعوت آنان لطمه خورد و مختار

فرستی به دست آورد و حزب تازه‌ای از شیعیان به نام کیسانیه

تشکیل داد.



۱- نام ..... نام خانوادگی .....  
 ۲- آخرین مدرک تحصیلی .....  
 از دانشگاه ..... در رشته .....  
 ۳- وضعیت شغلی؛ شامل ..... بارنشدت  
 ۴- سابقه خدمت؛ ..... سال  
 ۵- دروسی که تدریس می‌کنید (می‌کرداید)؛  
 .....  
 ۶- تألیفات و آثار؛ .....  
 ۷- محل خدمت؛ .....  
 ۸- آدرس پستی؛ .....  
 ۹- تلفن؛ ..... کد شهرستان .....  
 ۱۰- در صورتی که توضیح ضروری دیگری دارید اضافه  
 بنمایید؛ .....  
 .....



نام ..... نام خانوادگی ..... شماره .....  
 اشتراک ..... شماره فیش بانکی (در صورت  
 امکان فتوکپی آن را ارسال نمایید) .....  
 تاریخ تقریبی ارسال درخواست اشتراک .....  
 متقاضی دریافت مجله رشد آموزش جغرافیا از شماره .....  
 تا شماره ..... آدرس دقیق پستی .....  
 ..... کد پستی .....  
 تلفن .....  
 .....

